

جایگاه ادبیات فارسی در ایران‌شناسی روسیه (اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی)

دکتر جان اله کریمی مظهر^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۱۱/۲۵

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۵/۳/۲۴

چکیده

در اواسط قرن نوزدهم میلادی ایران‌شناسی، مانند یک رشته علمی در بسیاری از کشورهای اروپایی شکل گرفت. دوران جدید روابط روسیه با شرق از زمان سلطنت پترکبیر؛ یعنی اوایل قرن هجدهم میلادی صورت می‌گیرد. اولین کارهای علمی روسها در رشته مطالعات مشرق زمین با نام پتر کبیر ارتباط دارد. در اواخر قرن نوزدهم میلادی با ژوکوفسکی ایران‌شناس بزرگ روسیه، مطالعات ادبیات فارسی، بعنوان یکی از رشته‌های مهم علمی ایران‌شناسی وارد مکتب پترزبورگ روسیه شد. در قرن بیستم، بعد از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ م. در شوروی مسائل و موضوعات جدیدی در مطالعات شرق‌شناسی از جمله ایران‌شناسی مطرح شد. قبل از هر چیزی، تغییر ایدئولوژی دولتی در شوروی موجبات پیدایش روشهای جدید در مطالعات ایران‌شناسی را فراهم کرد. بسیاری از مسائل ایران‌شناسی، نه تنها آنهایی که با دوران معاصر ارتباط داشتند؛ بلکه آنهایی هم که با تاریخ و حتی فرهنگ و مطالعه منابع مکتوب گذشته ارتباط داشتند، با روش مارکسیستی و لنینیستی بررسی میشدند. در این مقاله ضمن بررسی اجمالی تاریخچه ایران‌شناسی در روسیه، تلاش میشود به جایگاه ادبیات فارسی در ایران‌شناسی اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم روسیه پرداخته شود.

کلیدواژگان

ایران‌شناسی؛ ادبیات فارسی؛ روسیه؛ اواخر قرن نوزدهم؛ اوایل قرن بیستم

مقدمه

در طول تاریخ از گذشته‌های بسیار دور ارتباطات‌های پراکنده‌ی بین ایران و روسیه باستان وجود داشت. نتیجه این ارتباط بازخورد آن در فرهنگ هر دو کشور بود. برای نمونه در قدیمی‌ترین اسناد روسیه، در کنار اسامی نمایندگان روسی که قرارداد با بیزانس را در سال ۹۴۵ م. به امضا رساندند، اسامی اسفایندر^۱ و فروتن^۲ دیده می‌شود که یادآور اسامی ایرانی اسفندیار و فریدون است (معتمدنیا، ۱۳۹۲: ۱۸۲-۱۸۳).

یکی از قدیمی‌ترین آثار مکتوب روسی که در آن تصویری از زندگی ایرانیان ارائه شد، اثر بازرگان روسی آفاناسی نیکیتین، گذر از سه دریا نام دارد. این اثر تصویری از درک و فهم کلی یک روسی از شرق و هفت سال زندگی او (۱۴۶۸-۱۴۷۵ م.) در ایران و هند است. اطلاعات زیادی که در این اثر ارائه شده است به خواننده روس این امکان را میدهد تا بتواند راه سفر او را بخوبی تصور کند. او دو سال از سفر خود را در ایران گذراند که یک سال و نیم این مدت در گیلان سپری شد. در آثار ادبی و فولکلوری روسیه باستان، ایران بصورت یک کشور وسوسه کننده، ناشناخته و افسانه‌ی ارائه شد؛ بطوری که در مقایسه با روسیه‌ی که به آن عادت کرده بودند، یک شکل دیگری بود. ایران‌شناسی، مانند یک علم در اواسط قرن نوزدهم در روسیه شکل گرفت.

البته بعضی از منتقدین اظهار داشتند، کسانی که بر این اعتقادند که مسئله ایران‌شناسی از قرن نوزدهم به بعد در روسیه آغاز شده است، بسی در اشتباهند. از زمان سلطنت پترکبیر دوران جدیدی در تاریخ روابط روسیه، نه تنها با شرق دور؛ بلکه با دنیای اسلامی شروع گردید. اولین کارهای علمی روسها که دارای جنبه علمی بود و در رشته مطالعات مشرق زمین بعمل آمد، با نام پترکبیر ارتباط دارد. پترکبیر بر سر راه خود به ایران در سال ۱۷۲۲ م. خرابه‌های شهر بلغار را تماشا کرد و اقداماتی برای حفظ آنها بعمل آورد و به مترجمان خود دستور داد که کتیبه‌های تاتاری و ارمنی را رونویسی کرده و ترجمه نمایند (مفتاح، ۱۳۷۲: ۲۳).

دانشمندان روسی از همان ابتدای شکل‌گیری ایران‌شناسی، بعنوان یک رشته علمی سهم مهمی در توسعه آن داشتند. کافی است اسامی دانشمندان قبل از انقلاب روسیه، مانند درن^۳؛ برزین^۴؛

-
1. Сфаиндр (Sfaindr)
 2. Фрутан (Frutan)
 3. Б.А. Дорн (B.A. Dorn)
 4. И.Н. Березин (I.N. Berezin)

خانیکوف^۱؛ میلر^۲؛ ژوکوفسکی^۳ و غیره را نام ببریم.

تعداد بسیار زیاد کارهای علمی و تحقیقاتی که در روسیه در مورد فرهنگ و تمدن ایران و نیز ادبیات فارسی در قرن بیستم نوشته شد، بیانگر جذابیت تمدن ایران و ادبیات فارسی برای روسهاست. علی اصغر شعر دوست در مقدمه کتاب *نگاهی به ایران‌شناسی و ایران‌شناسان کشورهای مشترک المنافع و قفقاز*، بدرستی به این موضوع اشاره کرده است:

جاذبه رشک انگیز این فرهنگ موجب شده که از ابتدای شکل گرفتن تحقیقات ادبی - فرهنگی نظر عده‌ی بسیار از اهل تحقیق را بسوی خود جلب نموده و آنان سالیان مدیدی از عمر با ارزش خود را صرف توغل^۴ در ساحتهای گوناگون فرهنگی کنند که روزگاری فرهنگ برتر بود و بدلیل ماهیت متعالی نهفته در ذات این فرهنگ هنوز هم قابلیت آن را دارد که در عرصه حیات فرهنگی بشر مجلس آراییی کند (مفتاح، ۱۳۷۲: ۷).

بحث و بررسی

با ژوکوفسکی ایران‌شناس بزرگ اواخر قرن نوزدهم میلادی در روسیه، مطالعات ادبیات فارسی یکی از رشته‌های مهم علمی ایران‌شناسی مکتب پترزبورگ روسیه بشمار آمد. او تحقیقات مهمی در زمینه صوفیگری در ایران انجام داد و چند چهره ادبی و صوفی ایرانی را معرفی کرد. وی همچنین تحقیقاتی در زمینه زندگی و آثار صوفی شیخ ابوسعید ابوالخیر انجام داد. ژوکوفسکی شاگردان بزرگی را در ایران‌شناسی روسیه، مانند مار^۵، راماسکوویچ^۶ و ایوانف^۷ تربیت کرده (کولاگینا، ۲۰۰۱: ۲۷) که به مطالعات تاریخ ادبیات فارسی به سبک ایران‌شناسان اروپایی؛ اما با رویکرد مارکسیسم-لنینیزم پرداخته‌اند.

ژوکوفسکی به آثار ناصر خسرو و عمر خیام و دیگر شاعران ایرانی علاقمند بود، تحقیقات او در مورد انوری و عمر خیام اساس مکتب نقد فیلولوژی روسی را پایه‌گذاری کرد. وی در سالهای

1. Н.В. Ханьков (N.V. Hanykov)

2. В.Ф. Миллер (V.F. Miller)

3. В.А. Жуковский (Valentin Alekseevich Zhukovski)

۴. توغل (تَوَغْل) [ع.] [مص ل.] ۱. دور رفتن ۲. مبالغه کردن (فرهنگ معین).

5. Ю.Н. Марр (Ju.N. Marr)

6. А.А. Ромаскевич (A.A. Romaskevich)

7. В.А. Иванов (V.A. Ivanov)

۱۹۸۳-۱۹۸۶م در دوران مأموریت علمی خود در ایران، به فولکلور ایران علاقمند شد. چاپ اثر او در سال ۱۹۰۲م با عنوان *نمونه‌های آثار مردمی فارسی*، اولین تجربه تقسیم‌بندی و بررسی آثار فولکلوری فارسی است.

ژوکوفسکی رساله دکتری خود را درباره زندگی و آثار انوری ابیوردی، شاعر قرن ششم هجری قمری / دوازدهم میلادی نوشت. او در سال ۱۸۹۷م تحقیقاتی درباره رباعیات خیام منتشر کرد. ژوکوفسکی در این تحقیق با مقایسه دیوانهای ۳۹ شاعر به این نتیجه رسید که یک پنجم رباعیاتی که به خیام نسبت می‌دهند در دیوانهای شعرای دیگر هم یافت می‌شود و این مسئله تا حدی ضد و نقیض بودن نظریات فلسفی و اخلاقی خیام را توجیه می‌کند (دری، ۲۰۰۶: ۶۷).

ژوکوفسکی را در سفر به ایران، همسرش واروارا آلکساندراونا^۱ همراهی میکرد. واروارا آلکساندراونا در روسیه، به اولین زن ایران‌شناس معروف است. او به همسرش در جمع‌آوری آثار فولکلوری بسیار کمک کرد، بخصوص به آن دسته از آثار فولکلور؛ مثل قصه‌ها و لالیبهای که در بین زنان ایرانی متداول بود و ایران‌شناسان مرد هم به آنها دسترسی نداشتند؛ عبارت دیگر با توجه به فرهنگ شرقی و اسلامی ایرانیان، دسترسی ایران‌شناسان خارجی به این دسته از آثار فولکلوری متداول در بین زنها آسان نبود.

مراکز مختلف ایران‌شناسی روسیه در این دوره فعال بودند. یکی از مهمترین آنها، «انستیتیوی شرق‌شناسی لازروف»^۲ بود که توسط یک ارمنی ساکن مسکو به نام لازروف (لازاریان)^۳ تأسیس شد و بتدریج به یک مرکز مهم خاورشناسی در روسیه تبدیل شد. ایران‌شناسان بزرگی چون میلر، کورش^۴، کریمسکی^۵ در این مرکز فعال بودند.

الکساندر الکساندروویچ راماسکوویچ از ایران‌شناسان بزرگ نیمه اول سده بیستم روسیه و از شاگردان نزدیک و ادامه‌دهندگان مکتب علمی والتین الکساندر و ویچ ژوکوفسکی و کارل گرمانوویچ زلمان^۶ بود. او بیشتر زندگی خود را وقف مطالعات زبان معاصر ایران، شهرها و لهجه‌های آن، ادبیات مردمی و فولکلور فارسی کرد و از بزرگترین متخصصان دوره خود محسوب می‌شد. در

-
1. Варвара Александровна (Varvara Aleksandrovna)
 2. Лазаревский институт (Lazarevskij institut)
 3. Лазарев - Лазарян (Lazarev - Lazaryan)
 4. Ф.Е. Корш (F.E. Korsh)
 5. А.Е. Крымский (A.E. Krymski)
 6. К.Г. Залеман (K.G. Zaleman)

طول سالهای متمادی راماسکوویچ با ژوکوفسکی در زمینه زبان و ادبیات فارسی کار کرد. به توصیه ژوکوفسکی، او کتابها، نسخه‌های خطی و آثار ادبیات شفاهی ایران، شامل قصه‌ها، ترانه‌ها، لالاییها، ضرب‌المثلها و افسانه‌های ایرانی را جمع‌آوری کرد. وی در سال ۱۹۱۵م. بعد از بازگشت به پترزبورگ با آثاری که از ایران برده بود، بر غنای موزه کونستکامرا^۱ افزود. راماسکوویچ در اول جولای ۱۹۱۵م. با دو سخنرانی در مورد ادبیات فارسی «دویتیه‌های مردمی فارسی» و «احمد جم، زندگی و آثارش»، به مقام دانشیار غیررسمی «دانشکده زبانهای شرقی دانشگاه پترزبورگ» نایل شد (فرهنگ خاورشناسان، ۱۳۸۸: ۴/۴۵۵). در اکتبر همان سال هم با ارائه سخنرانی «جریانهای ادبی در فارس (ایران) معاصر»، بعنوان مدرس زبان فارسی، به عضویت گروه ادبیات فارسی درآمد. حدود فعالیتهای تحقیقاتی راماسکوویچ در زمینه ادبیات فارسی و اقوام و نژادهای ایرانی بسیار گسترده است. وی در دوره حضورش در ایران مطالب و اطلاعات با ارزشی در زمینه نژادشناسی، اعتقادات مردم ایران قبل از پذیرش اسلام و نیز هنر فارسی جمع‌آوری کرد. بعد از ژوکوفسکی او دومین کسی بود که خوانندگان روسی را با قصه‌های ایرانی آشنا کرد و اولین کار علمی او در این زمینه، قصه‌گویان فارس بود که در مجموعه یادداشت‌های دانشمندان انستیتوی زبانهای زنده شرقی لنینگراد (م. ۱۹۲۷) به چاپ رسید. ارزش استثنایی این اثر در این است که علاوه بر جمع‌آوری و تقسیم‌بندی قصه‌ها، اطلاعاتی نیز در مورد شرایط و موقعیت فعلی آنها، راهها و روشهای ترویج آنها و همچنین ویژگیهای رایج این قصه‌ها در آن آمده است. در سال ۱۹۳۴م. راماسکوویچ در آماده‌سازی مجموعه هزاره فردوسی شرکت کرد. در این مجموعه، مقاله او نیز با عنوان شرحی بر تاریخچه مطالعات شاهنامه بچاب رسید. او در اکتبر همان سال در ترکیب هیئت اتحاد جماهیر شوروی، برای شرکت در مراسم جشن «هزاره فردوسی» به ایران اعزام شد (سحاب، ۱۳۵۶: ۳۰۰). در این کنفرانس او با موضوع «قدیمی‌ترین و جدیدترین داستان حماسی قبایل گوناگون ایران» به زبان فارسی سخنرانی کرد. اولین و تنها ترجمه ترانه‌های قشقایی به زبان روسی نیز به او تعلق دارد که در سال ۱۹۲۵م. در «موزه مردم‌شناسی و قوم‌شناسی» انتشار یافت. بدین ترتیب با توجه به فعالیتهای علمی راماسکوویچ به این نتیجه میرسیم که بیشتر مطالعات و گرایش وی در زمینه زبان و لهجه‌های فارسی معاصر ایران، ادبیات فولکلور ایران بود.

یوری مار، تحقیقات زیادی در زمینه ارتباطات ادبی ایران و گرجستان انجام داده است. در این

1. Кунсткамера (Kunstkamera)

ارتباط آثار خاقانی، نظامی و شاعر گرجی، راستاوی^۱ را بررسی کرد. مار به این نتیجه رسید که گرجستان در قرنهای دهم- دوازدهم میلادی با آثار شاعران ایرانی بخوبی آشنا بود و آنها را به زبان گرجی ترجمه کرد. بسیاری از آثار فارسی آن دوره که از بین رفته‌اند، ترجمه گرجی آنها هم اکنون در دسترس است. مار در سال ۱۹۲۵م در سفری که به ایران کرد، منابع و مآخذ زیادی درباره فولکلور ایران از جمله درباره اهل حق و همچنین تئاتر مردمی ایران، «پهلوان کچل» و غیره جمع‌آوری کرد. مار در سال ۱۹۳۴م در کنگره بین‌المللی هزاره فردوسی شرکت کرد و سخنرانی جالبی درباره وزن شاهنامه انجام داد و موفق به دریافت نشان ادبی مخصوص شد. اگرچه او در سن چهل و دو سالگی درگذشت؛ ولی در این مدت کوتاه بیش از صدعنوان اثر به زبانهای فارسی و روسی منتشر کرد (دری، ۲۰۰۶: ۶۷).

یوگنی برتلس^۲ از ایران‌شناسان بزرگ اوایل قرن بیستم روسیه است که از سال ۱۹۲۰م حدود سی سال در «انستیتوی شرق‌شناسی پتربورگ» فعالیت داشت. بیشتر تحقیقات باارزش و عمیق برتلس هم مانند ژوکوفسکی، درباره صوفیگری و ادبیات صوفی در ایران بود. او فقط از سال ۱۹۲۴-۱۹۲۹م نزدیک به ۲۲ اثر علمی درباره صوفیگری در ادبیات فارسی تألیف کرد. تفاوت فعالیت‌های برتلس با ژوکوفسکی در این است که ژوکوفسکی در تحقیقات خود، بیشتر به مسائل فلسفی و اخلاقی صوفیگری می‌پرداخت؛ ولی برتلس بیشتر به تأثیر صوفیگری بر ادبیات و هنر پرداخته است. برتلس آثار ارزشمندی درباره خواجه عبدالله انصاری و فریدالدین عطار نیشابوری و بیش از پنجاه مقاله درباره نظامی گنجوی نوشته است. ایران‌شناسان کتاب تاریخ ادبیات فارس و تاجیک را از مهمترین آثار او میدانند.

بعد از جنگ جهانی دوم، در پترزبورگ ایران‌شناسان بزرگ زیادی درباره ادبیات ایران کار کردند. بولدیرف^۳ از معروفترین ایران‌شناسان این دوره بود که کتابی درباره بدایع الوقایع اثر زین‌الدین واصفی شاعر قرن شانزدهم تاجیکستان نوشت و بدینوسیله صفحات مبهم فرهنگی و ادبی تاریخ آسیای میانه و ایران را روشن کرد. بولدیرف (۱۷۸۰-۱۸۴۲م) سهم مهمی در آموزش زبان فارسی در روسیه داشت. کتاب آموزشی او باعنوان منتخبات فارسی، کتاب اصلی آموزش زبان فارسی، در کل قرن نوزدهم میلادی بود. این کتاب به علاقمندان و دانشجویان روسی یک تصویری درباره

1. Ш. Руставели (Sh. Rustaveli)

2. Е. Бертельс (E. Bertel's)

3. А.В. Болдырев (A.V. Boldyrev)

ادبیات فارسی میداد. روزنفلید^۱ و کمیساروف^۲ درباره نویسندهگان معاصر ایران از جمله صادق هدایت و محمد علی جمالزاده مطالعه و آثار آنها را به زبان روسی ترجمه کردند (همان: ۶۶). یکی دیگر از بزرگان آشنا به تاریخ و ادبیات فارسی در روسیه کریمسکی^۳ بود. او در «انستیتوی زبانهای شرقی لازارف» سخنرانیهای باارزشی درباره تاریخ، مذهب، زبان و ادبیات فارسی انجام داد که بعدها این سخنرانیها پایه و اساس اکثر کتابهای آموزشی قرار گرفت. یکی از مجموعه کتابهای آموزشی کشورهای مسلمان که توسط کریمسکی برای دانشجویان انستیتوی زبانهای شرقی لازارف تدوین شده بود، به تاریخ و ادبیات ایران اختصاص داشت. در سال ۱۹۰۶ م. تاریخ فارس و ادبیات آن و تصوف درویشی منتشر شد که در آن احیای کشور را پس از حمله اعراب نشان میدهد. او یک ارزیابی از نقش قاجار ارائه میدهد؛ ماهیت انقلاب ۱۹۰۵-۱۹۱۱ م. / ۱۲۸۴-۱۲۹۳ ش. ایران را ارزیابی میکند و نیز یک ارزیابی از بایزم^۴ در ایران دارد. کاظم بیگ^۵ یکی از اولین محققان بایزم در روسیه بود. او در کتابش، باب و بابیهها، حوادث مذهبی-سیاسی در فارس در سالهای ۱۸۴۴-۱۸۵۲ م.، بتفصیل در مورد زندگی باب توضیح داده است. وی در این کتاب پیشروی بابیهها در شهرهای مختلف ایران و نیز مبارزه حکومت بر علیه بابیهها را توصیف میکند.

یکی از دانشمندان بزرگ ایران‌شناس روسیه بارتولد^۶ (۱۸۶۹-۱۹۳۰ م.) بود. او به مطالعه کل دنیای مسلمانان از اسپانیا تا ترکستان چین علاقمند بود. مطالعه ایران، بعنوان کشوری که سرنوشت تاریخی، فرهنگی و اقتصادی آن با آسیای مرکزی ارتباط دارد، همیشه در مرکز توجه او قرار داشت.

دایره فعالیت‌های ادبی و هنری بارتولد بسیار گسترده بود. او نسخه‌های خطی فارسی، عربی و ترکی را بررسی کرد. وی به منظور انجام تحقیقات در زمینه‌های نسخه‌های خطی شرقی، سفرهای زیادی به مشرق زمین و مناطق مختلف روسیه کرد. بارتولد مطالعاتی را در زمینه سکه‌شناسی،

1. A. Z. Розенфельд (A. Z. Rozenfel'd)

2. Д. С. Комиссаров (D. S. Komissarov)

3. А. Е. Крымский (A. E. Krymski)

۴. منظور انقلاب مشروطه است.

۵. مطالعات بایزم و بهائیت، جایگاه ویژه‌ی در ایران‌شناسی روسیه دارد.

6. А. К. Казем-Бек (A. K. Kazem-Bek)

7. В. В. Бартольд (V. V. Bartol'd)

باستان‌شناسی و همچنین در زمینه ادبیات و هنر انجام داد. آثار وی از جمله شرح مجمل تاریخی و جغرافیایی ایران و ایران- شرح مختصر تاریخی، سهم مهمی در ایران‌شناسی داشته‌اند. در این آثار، بارتولد براساس منابع گسترده و متنوع، تصویر تاریخ فرهنگی و اقتصادی ایران را ترسیم و جایگاه ایرانیان و فرهنگ ایرانی را در تاریخ جهان بررسی کرد. وی همچنین به بررسی ادبیات روسی، شرقی و اروپایی درباره ایران پرداخت. کارهای علمی این دانشمند بزرگ تا به امروز هم ارزش خود را از دست نداده‌اند و گستردگی علایق و فعالیت‌های وی متحیرکننده است. بارتولد مقاله‌های بسیار جالبی درباره ادبیات و هنر ایران به یادگار گذاشته است. تاریخ ادبیات حماسی ایران؛ مسئله شرقی- ایرانی؛ برج کاووس از جمله آثار دیگر اوست. شرایط و روابط ایران و روسیه، برعکس اوایل قرن، در یک جهت آرام قرار گرفت و این امر نیز به نوبه خود نقش و اهمیت زیادی در توسعه مطالعات ایران در روسیه داشته است. محققان روسی هم به مطالعه تاریخ ایران، روابط ایران و روسیه و همچنین به مطالعه فرهنگ و مذهب ایران فوق العاده علاقمند بودند (کولاگینا، ۲۰۰۱: ۳۰-۳۱).

در دوران جدید؛ یعنی در قرن بیستم میلادی در دوره شوروی، مسائل و موضوعات جدیدی در ایران‌شناسی روسیه مطرح می‌شود. قبل از هر چیزی، تغییر ایدئولوژی دولتی موجب پیدایش روش‌های جدیدی شد. بسیاری از مسائل ایران‌شناسی، نه تنها آنهایی که به دوران معاصر ارتباط داشتند؛ بلکه آنهایی هم که با تاریخ و حتی فرهنگ و مطالعه منابع مکتوب گذشته ارتباط داشتند، با روش مارکسیزم و لنینیستی بررسی می‌شدند. پس از انقلاب سوسیالیستی روسیه، بررسی و مطالعه تاریخ کشورهای خاور نزدیک و میانه، بویژه ایران، به دوره جدیدی از گسترش گام نهاد و تهیه علمی مسائل تاریخی این ممالک، به میزان گسترده‌ی پیگیری شد. پطروشفسکی در کتاب *ایران‌شناسی در شوروی* مینویسد:

امروزه تاریخ ایران و کشورهای همجوار آن نه تنها در مراکز قدیمی مطالعات ایران - مسکو و لنینگراد؛ بلکه در مراکز جدیدالتأسیس جمهوری سوسیالیست شرق شوروی نیز خصوصاً در تاشکند دنبال می‌شود. پس از انقلاب اکتبر، در میان مردم فارسی زبان اتحاد جماهیر شوروی در بین تاجیکها، طالبها، تاتها و آستیاها، نوعی علاقه نسبت به تاریخ گذشته‌شان بوجود آمد. در سایه انقلاب سوسیالیستی اکتبر، شمار مراکز ایران‌شناسی رو به فزونی گذاشت؛ تحقیقات زیاد شد و هر چه بیشتر به ازدیاد و پیچیدگی رفت. شخصیهایی جدید در زمینه مطالعات ایرانی شوروی در عرصه علوم ظاهر شدند (پطروشفسکی، ۱۳۵۹: ۳۱-۳۲).

اساس و مرجع نظری تحقیقات ایران‌شناسان شوروی سابق، جهان بینی مارکسیسم-لنینیسم بود. بدین معنی که پژوهندگان میکوشیدند تا نظام اجتماعی-اقتصادی هر دوره از تاریخ ایران را به تکلف با یکی از ادوار پنجگانه تاریخ؛ یعنی جامعه اشتراکی آغازین، بردگی، فئودالیت، سرمایه داری و سوسیالیسم منطبق کنند. برای نمونه میتوان به کتاب ماد نوشته دیاکونوف اشاره کرد که در آن او نظام اجتماعی دوره مادها را با خصوصیات عصر بردگی تاریخ اروپا مطابقت داد.

اورانسکی بدرستی اشاره کرد که توسعه مطالعات ایرانی در شوروی فقط بخاطر اهمیتش در تاریخ فرهنگ جهان نبود. عشایر فارسی زبان و مردمانی که از گذشته‌های دور در مناطق مختلف آسیای مرکزی، فلات ایران، ناحیه دریای سیاه و شمال قفقاز ساکن شده‌اند، نقش بسیار مهمی در تاریخ خلقهای اتحاد جماهیر شوروی بازی کرده و بر غنای فرهنگ جهانی افزوده‌اند. اکثر مردمانی که در شوروی زندگی میکردند (تاجیکها، آستیاها، طالشها، تاتها و دیگران) و نیز در ممالک همجوار بسر میبردند (فارسها، افغانها، کردها، بلوچها و غیره) همه و همه به زبانهای ایرانی تکلم میکنند. موادی که از زبانهای ایرانی دوهزار و پانصد سال پیش شناخته شده‌اند، منابع موجود برای مطالعه و بررسی تاریخ و تاریخ فرهنگ خلقهایی است که در مناطق اتحاد شوروی و ممالک همجوار مقیم شده و هنوز هم در آنجا مقیمند. این مواد منابع مهمی برای نوشتن تاریخ، گویش‌شناسی تاریخی و ساختمان دستور زبانهای تاریخی تطبیقی ایرانی بشمار میروند.

یکی از مسائل مهم مطالعات زبانهای ایرانی، حصول احتیاجات عملی است؛ یعنی توسعه مناسبات سیاسی، تجاری و فرهنگی که از مدتها پیش بین روسیه و کشورهای ایرانی زبان شرق، مانند ایران، افغانستان و خانات آسیای مرکزی وجود داشته است (اورانسکی، ۱۳۵۹: ۶۵-۶۶). این اهمیت از زمان پتر اول شناخته شده بود.

در دوره جدید؛ یعنی در قرن بیستم موضوعات جدیدی در ایران‌شناسی مطرح شد. در گام اول، این به ارزیابی جنبشهای ناسیونالیستی و رهبران آنها ارتباط داشت، بخصوص که بر همین اساس اولویت سیاست خارجی شوروی نسبت به کشورهای مختلف تعیین میشد. در اینجا لازم است روشهای مختلف در تفاهمنامه‌های دوستی دولت شوروی با کشورهای مختلف یادآوری شود. بسیاری از این تفاهمنامه‌ها، بر مبنای امکان گنجاندن کشورها در جریان جهانی انقلاب سنجیده میشدند. علاوه برین در موضوعات ایران‌شناسی هم تغییرات زیادی ایجاد شده بود. در کنار آن جهت‌گیریها و رشته‌هایی، مانند زبان، ادبیات و تاریخ (که در قبل از انقلاب مهم بود)، مسئله تاریخ نوین اهمیت بیشتری پیدا کرد. همچنین در این دوره، ساختار جغرافیایی مراکز تحقیقاتی هم

تغییر کرد. اگر در قبل از انقلاب پترزبورگ و مسکو مراکز اصلی ایران‌شناسی بودند؛ اما در دوران شوروی این مراکز در شهرهای دیگر، بیشتر در مراکز جمهوریهای ماورای قفقاز و آسیای میانه هم بوجود آمدند. لنینگراد، مرکز مطالعه نسخه‌های خطی، زبان، فرهنگ، ادبیات، تاریخ قدیم و قرون وسطی قلمداد میشد و تاکنون نیز این مرکزیت را حفظ کرده است.

در مسکو پایتخت شوروی که همه ارگانهای دولتی در آن به اطلاعات مؤثر و عملیاتی نیاز داشتند، بیشترین توجه به تاریخ جدید و نوین معطوف شده بود؛ حتی در مراکز آکادمیک، بخصوص در انستیتوی شرق‌شناسی آکادمی علوم شوروی، بیشترین توجه به بررسی و مطالعات تحلیلی مسائل مختلف ایران (برای کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی و ارگانهای دولتی در سطوح مختلف) میشد؛ پیش‌بینیهای درازمدت براساس توسعه سیاسی - اجتماعی و اقتصادی تدوین میشد؛ البته بیشترین اهمیت به مطالعه ابعاد فرهنگی، زبانی و تاریخی توسعه ایران داده میشد؛ ولی تمایل و کشش در طراحی و برنامه‌ریزی کارهای علمی، بیشتر بطرف مسائل روز و مهم معاصر دیده میشد. با وجود این در مراکز جدید ایران‌شناسی، تقسیم کار انجام شد:

در ارمنستان بیشترین توجه به مطالعه منابع تاریخی فارسی و ارمنی متمرکز شده بود که بیشتر نشان دهنده گذشته مشترک تاریخی این کشورها بود.

در تفلیس مکتب فیلولوژی بیشتر متداول بود. اگرچه در سالهای ۱۹۷۰-۱۹۸۰م فراگیری مسائل مربوط به جغرافیای اقتصادی ایران، جمعیت‌شناسی و شهری فعالیت شد.

در باکو تحقیقات در زمینه تاریخ جدید و نوین، مسائل کشاورزی، آذربایجان ایران؛ یعنی آن مسائلی که در گذشته برای ایران و آذربایجان مشترک بود، دارای جذابیت بیشتر و مثمر ثمرتری بود.

در پایتختهای جمهوریهای آسیای میانه، بیشتر به مطالعه منابع، نسخ خطی و فیلولوژی ایران، هنر و تاریخ قرون وسطی توجه میشد.

برنامه کارهای علمی ایران‌شناسی در سطح کل اتحاد شوروی تنظیم میشد تا بدینوسیله از تکرار و موازی‌کاری اجتناب شود؛ برنامه‌های نشر آثار علمی ایران‌شناسی، بخصوص انتشارات اصلی آن به نام ادبیات شرقی هم به نوعی هدایتگر فعالیت‌های حوزه شرق‌شناسی بود.

در سالهای اخیر در توسعه ایران‌شناسی روسیه، تغییرات و اصلاحات جدیدی صورت گرفته است که به مسائلی که با مهمترین حوادث سیاسی که در این دوران اتفاق افتاده، مرتبط است.

اولین حادثه‌یی که مسائل جدیدی را در مقابل ایران‌شناسی قرار داد، پیدایش جمهوری اسلامی

ایران در نقشه جهان، در سال ۱۹۷۹م. بود. انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران، عملاً موضوع مطالعات همه مراکز ایران‌شناسی شوروی، بخصوص مسکو شده بودند، بخصوص که این ایران‌شناسان مسکو بودند که در کنار سخنرانیهای علمی در کنفرانسها و بررسی شرایط و چاپ مقالات در مجلات و خبرنگارهای تخصصی، در زمینه تغییرات شرایط ایران با چاپ کتابهای تحقیقاتی اظهار نظر کرده‌اند. این کتابها بصورت مستقیم به مسائل انقلاب ایران اختصاص دارند:

- ایران در گذشته و حال (نوشته: س. ل. آقاییوا، مسکو، ۱۹۸۱م.)؛

- ایران: سقوط رژیم شاه (نوشته: رزیکووا، مسکو، ۱۹۸۳م.)؛

- انقلاب ایران، ایالت متحده آمریکا و امنیت بین‌المللی (نوشته: س. ل. آقاییوا، مسکو، ۱۹۸۴م.)؛

- روحانیت شیعه در ایران معاصر (نوشته: ی. آ. داروشنکو، مسکو، ۱۹۸۵م.)؛

ایران بین گذشته و آینده. تحولات، مردم و اندیشه‌ها (نوشته: س. ل. آقاییوف، مسکو، ۱۹۸۷م.). همچنین کتاب تحقیقاتی انقلاب اسلامی ایران، علل و درسهای آن که در سال ۱۹۸۹م. در مسکو به چاپ رسیده بود، تلاشی جامع برای روشن کردن علل و پیامدهای انقلاب در ایران بود؛ حتی در دوره شوروی هم ارزیابی واحدی درباره علل و کیفیت انقلاب وجود نداشت و در کار مذکور متفاوت‌ترین نظرات و دیدگاهها درباره این مسئله انعکاس یافته است.

دومین حادثه دو دهه اخیر که تأثیر زیادی روی ایران‌شناسی گذاشت و مسائل جدیدی را در مقابل آن مطرح کرد، فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی بود. این هم به نوبه خود چند مشکل اساسی را بوجود آورد. از جمله پیامدهای مهم و جدی آن این بود که بین مراکز ایران‌شناسی کشورهای جدید شکاف ایجاد شد. در این ارتباط باید در نظر داشت حتی در صورت تلاش زیاد برای برقراری ارتباط بین مراکز روسی با مراکز جمهوریهای قبلی، این ارتباط بین دو کشور خواهد بود (مامدوا، ۲۰۰۱: ۳۷-۴۰).

البته خانم کولاگینا^۱ به ابعاد دیگر مطالعات ایران‌شناسی روسیه در نیمه دوم قرن نوزدهم نیز اشاره کرده است. وی در آخر مقاله خود اشاره دارد:

از نیمه دوم قرن نوزدهم نظامیها، افسران ستادکل و مؤسسات نظامی دیگر به مطالعات ایران روی آوردند. موضوعات مورد مطالعه آنان بسیار تخصصی بود. در کارهای آنها بیشتر به توصیف استحکامات، تجهیزات مرزی، کیفیت راههای ارتباطی ایران و روسیه، تجهیزات و سازماندهی ارتش ایران، بررسی عملیات نظامی و دیگر مسائل نظامی توجه شد. کتابهای زیادی

از نویسندگان نظامی از جمله و. باومگارتن^۱، پ. ی. اگوردنیکوف^۲، یا. ک. آرتامانوف^۳، ی. آ. استرلیتسکی^۴، پ. آ. ریتتیخ^۵، آ. م. مدودوف^۶ و غیره به چاپ رسید (کولاگینا، ۲۰۰۱: ۳۳). وی در ادامه اضافه میکند:

در کنار مقالات و کارهای نه‌چندان وزین، تحقیقات جدی و جالبی هم صورت گرفته است. از جمله این تحقیقات میتوان به کار م. ل. تومارا^۷ وضعیت اقتصادی فارس اشاره کرد که به گفته بارتولد اولین تجربه و تلاش برای مطالعه وضعیت اقتصادی فارس بود که فرایند اصلی زندگی اقتصادی ایران در اواخر قرن نوزدهم را مورد مطالعه قرار داده بود. کارهای دانشمندانی مثل آ. میللر، ل. آ. سوبوتسینسکی^۸ و ف. ل. بوگدانوف^۹ در این دوره از شهرت فوق العاده‌یی برخوردار است. بدین ترتیب در نیمه دوم قرن نوزدهم سنت اصلی مطالعه ایران‌شناسی در روسیه حفظ شد. اکثر دانشمندان روسی از اطلاعات جامعی از مشرق‌زمین برخوردار بودند؛ سه چهار زبان شرقی، دین، تاریخ و فرهنگ مردم ایران، آسیای میانه و مرکزی، قفقاز و ماورای قفقاز را می‌دانستند. از ویژگیهای بیشتر دانشمندان شرق‌شناس این بود که با احترام زیاد به مشرق زمین می‌نگریستند و به سهم مهم و عمده مشرق‌زمین در توسعه تمدن جهانی اعتراف داشتند و اروپامحوری را نفی میکردند (همانجا).

در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی ایران‌شناسان در روسیه کارها و تحقیقات باارزشی در مطالعه و ارزیابی میراث ادبی، فرهنگی و تاریخی ایران انجام دادند. در این دوره ایران‌شناسی در روسیه پیشرفت فوق العاده‌یی کرد و حتی در بعضی از زمینه‌ها در جهان پیشرو و از جایگاه ویژه‌یی برخوردار بود.

1. В. Баумгартен (V. Baumgarten)
2. П.И. Огородников (L.M. Kulagina)
3. Я.К. Артамонов (Ya.K. Artamonov)
4. И.А. Стрельбицкий (I.A. Strel'bicki)
5. П.А. Риттих P.A. Rittih
6. А.М. Медведев (A.M. Medvedev)
7. Л.М. Томара (L.M. Tomara)
8. Л.А. Собоцинский (L.A. Sobocinski)
9. Л.Ф. Богданов (L.F. Bogdanov)

نتیجه‌گیری

نتایج تحقیقات علم ایران‌شناسی نشان می‌دهد که دانشمندان و محققان شرق و غرب از گذشته بسیار دور به فرهنگ و ادبیات ایران و بعبارت گسترده‌تر به تمدن فارس توجه فوق‌العاده داشته‌اند. سالهای زیادی است که اینان به مطالعه ایران مشغولند. انگیزه این مطالعه در دوره‌های مختلف، گوناگون بوده و نه تنها همواره بخاطر توجه به تمدن غنی ایران نبوده؛ بلکه حفظ منافع سیاسی و اقتصادی آنها در گرو انجام این تحقیقات بوده است.

در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی، ایران‌شناسان بزرگ روسیه میراث ادبی بسیاری از نویسندگان برجسته ادبیات فارسی کلاسیک را به خوانندگان روسی معرفی کردند. فرهنگ و ادبیات فارسی بدلیل غنای خود از دیرباز بر ادبیات و فرهنگ کشورهای دور و نزدیک تأثیر عمیق داشته و در پرورش افکار بسیاری از بزرگترین نویسندگان روسیه تأثیرگذار بوده است. همچنین فرهنگ و ادبیات فارسی قابلیت آن را نیز دارد که سالهای زیادی در عرصه فرهنگی جهان مجلس آرایبی کند.

ارتباطات روسها با مردم کشورهای مشرق زمین، موجب افزایش تمایل جوامع روسی به آثار ادبی شرقی شد. در طول قرنهای گذشته اکثر آثار ادبی و دینی مشرق زمین به زبان روسی ترجمه و بسیاری از داستانهای دینی و ادبی شرقی-ایرانی، بن‌مایه‌های آثار نویسندگان و شاعران روسی شدند. همچنین نویسندگان اواخر قرن نوزدهم و اوائل قرن بیستم روسیه نیز مانند ویچسلاو ایوانف، ایوان بونین، سرگئی یسنین، نیکلای گومیلیوف و... در آثار خود دیدگاههایی را در مورد مسائل مختلف، تحت تأثیر ادبیات ایران و با بهره‌گیری از حکمت مشرق زمین و ایران بیان کردند.

منابع

- پطروشفسکی ای. پ.، اورانسکی ای.م؛ ترجمهٔ یعقوب آژند، ایران‌شناسی در شوروی و...، تهران: انتشارات نیلوفر، ۱۳۵۹.
- دری، جهانگیر؛ ارتباط روسیه با ادبیات فارسی // ایرانا اسلاویکا، ۱۳۸۵/۲۰۰۶. مسکو، ۱۳۸۵.
- سحاب، ابوالقاسم؛ فرهنگ خاورشناسان، تهران: سحاب، چاپ دوم، ۱۳۵۶.
- فرهنگ خاورشناسان؛ تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۶-۱۳۸۸.
- کولاگینا، ل.م.؛ تاریخچهٔ ایران‌شناسی روسیه // ایران‌شناسی در روسیه و ایران‌شناسان، مسکو: انستیتو شرق‌شناسی فرهنگستان علوم روسیه، ۲۰۰۱.
- مامدوا، ن.م؛ دربارهٔ بعضی از موضوعات ایران‌شناسی معاصر، ایران‌شناسی در روسیه و ایران‌شناسان، مسکو: انستیتو خاورشناسی فرهنگستان علوم روسیه، ۲۰۰۱.
- مفتاح، الهامه؛ وهاب ولی؛ نگاهی به ایران‌شناسی و ایران‌شناسان کشورهای مشترک المنافع و قفقاز، تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی، ۱۳۷۲.
- معتمدنیا، معصومه؛ بازآفرینی واقع‌بینانهٔ سیمای ایران در اثر آفاناسی نیکیتین (گذر از سه دریا)، نقش زبان روسی در گفتگوی بینا فرهنگی، تاجیکستان، ۱۳۹۲/۲۰۱۳.م.
- معین، محمد؛ فرهنگ معین.